



## جایگاه زن، زناشویی و فرزند در ایران باستان / فرزند زیاد از افتخارات ایرانیان بود

ایرانیان باستان به همان اندازه که به امر زناشویی اهمیت می دادند با زناکاری به شدت مخالفت می کردند و آن را جزو آثار اهریمنی می دانستند و همچنین درنظر آنها بزرگترین افتخار ...

ایرانیان باستان به همان اندازه که به امر زناشویی اهمیت می دادند با زناکاری به شدت مخالفت می کردند و آن را جزو آثار اهریمنی می دانستند و همچنین درنظر آنها بزرگترین افتخار به جز دلآوری در جنگ، داشتن فرزندان متعدد بود. به گزارش خبرگزاری مهر، زنان در ایران باستان مقام ارجمندی را دارا بودند. زن یکی از اعضای خانواده محسوب می شد و در تمام شئون زندگی با مرد برابری می کرده و برای اثبات این موضوع، شواهد زیادی در دست است.

در اوستا همه جا نام زن و مرد در یک ردیف ذکر شده و در کارهای دینی که زنان باید انجام دهند و دعاهایی که باید بخوانند زن را با مرد برابر شمرده و حتی در صورتی که موبد حاضر نباشد ممکن بود زن به مقام قضا برسد و نیز در تاریخ می بینیم که زنانی مانند همای و پور اندخت و آرمیدخت به مقام پادشاهی رسیده اند.

سن بلوغ برای مرد و زن یکسان بوده است. آنچه در اوستا راجع به زن و مرد می باشد متضمن برابری حقوق است. زنان و مردان پارسا من باب تقدیس با هم ذکر شده اند و چون زن موجب احترام و بلندی مقام خانه است، اندیشه نیک و گفتار و کردار خوب و فرمانبرداری از شوهر در اوستا برای زن از صفات پسندیده و برجسته شمرده شده است.

### اهمیت زناشویی

برای بنیان نیک بختی و تشکیل خانواده، زناشویی از مهم ترین وظایف هر ایرانی بوده است و چون ایرانیان دارای خوی پاک و بی آلاش بوده اند، برای پیکار با تجرد و زناکاری به موضوع زناشویی اهمیت می داده اند و فرزندان خود را به آن تشویق می کردند تا حدی که امر زناشویی را از فرایض دینی خود می شمردند.

زرتشت، زناشویی و سرپرستی خانواده را سفارش می کند. زرتشت فرمود به کودکان باید آموزش هایی برتر از آنچه داده شده بدهند. در آیین زرتشت، درباره زناشویی و خانواده چنین آمده است؛ شوهر به منزله پادشاه و زن ملکه خانواده محسوب می شود و فریضه شوهر پرستاری از زن و فرزندان و فراهم آوردن سامان لازم خانواده است.

در اجتماع ایرانی، نظم و پرهیزگاری و پارسایی حکومت می کرد زیرا نظم پاسبان عفت و نکاح است و فواحش در نظر اجتماع، منفور بودند و آنان که دختر جوان را از زناشویی مانع می شدند مورد نفرت بودند.

ایرانیان باستان به همان اندازه که به امر زناشویی اهمیت می دادند با زناکاری به شدت مخالفت می کردند و آن را جزو آثار اهریمنی می دانستند. در اوستا و آثار پهلوی، علاوه بر دیوهای گوناگون دیوهای دیگری را ذکر می کند که عبارتند از دیوهای بی شرمی، دروغ، شهوترانی، زنا کاری.

ازدواج جوانان و دختران با رضایت پدر و مادر انجام می گرفت. حق شوهر دادن دختر به پدر اختصاص داشت و اگر پدر زنده نبود شخص دیگری اجازه شوهر دادن دختر را داشت این حق نخست به مادر تعلق می گرفت و اگر مادر مرده بود این حق متوجه یکی از عموها یا دایی های دختر می شد و دختر خود مستقلاً حق اختیار شوی نداشت.

### منظور و هدف از زناشویی

امر زناشویی علاوه بر این که جزو فرایض دینی هر ایرانی محسوب می شده و آن را موجب و وسیله بنیان خانواده و نیک بختی اجتماع می دانستند، منظور بزرگ دیگری نیز داشتند و آن، علاقه به حفظ نسل و داشتن فرزند بوده است.

هر پسر و دختر و زن و مرد ایرانی همیشه از خداوند آرزو می کرد که فرزندی مهربان به او اعطا کند و کسی که فرزند نداشت، باعث سرشکستگی خانواده خود را فراهم می نموده است. هرودوت می گوید که درنظر ایرانیان بزرگترین افتخار به جز دلآوری در جنگ، داشتن فرزندان متعدد بوده است و نیز استرابون نقل می کند که پادشاه، هدایای سالانه برای خانواده هایی می

فرستاد که فرزندان زیاد داشتند و هرگاه رسم تعدد زوجین تا حدی در میان ایرانیان قدیم مرسوم بوده به منظور داشتن فرزندان بسیار بوده است و رسم ازدواج ابدال نیز به همین منظور بوده است.

ایرانی اوستایی همیشه دعا می کرد که اهورا مزدا به وی فرزند نیرومند و صحیح بدهد و از همین جاست که هر دختر آرزو می کرد با جوانی نیرومند همسری کند تا فرزندی قوی بیاورد. فرزند از مهمترین نعمت الهی و دلبندترین علاقه های زندگی در نظر ایرانیان به شمار می رفت و شخص بی اولاد در دنیا بی نام بود و بی نامی در میان ایرانیان آن زمان ننگ به شمار می آمد.